

## درآمدی بر شرق‌شناسی و مستشرقان

### سید قاسم رزّاقی موسوی

#### چکیده

غریبان از دیرباز به شناخت شرق توجه کرده و کارها و پژوهش‌های فراوانی در این باره سامان داده‌اند که آنها را «شرق‌شناسی» و در سرزمین‌های اسلامی «مطالعات اسلامی» می‌خوانند. این نوشتار بر آن است که با تبیین و تعریف این پدیده، دگرگونی‌های مفهومی و عوامل، انگیزه‌ها و تطور تاریخی‌اش را بررسد.

این پژوهش‌ها از نخستین عصرهای باستان آغاز شده، دوره‌های میانی این عصر را گذرانده و دوره مطالعات نوبنیاد را درباره شرق و اسلام (کلاسیک و آکادمیک) در برگرفته و بر پایه اوضاع گوناگون در هر زمانی متفاوت شده است. خاورشناسان غربی به انگیزه‌های گوناگونی به این مطالعات می‌پردازند و از این‌رو، این نوشتار در پایان، ارتباط اسلام و مسیحیت و واکنش‌های کلیسا را در برابر اسلام وامی‌کاود و شیوه‌های تازه این رویارویی ارزیابی می‌کند.

#### کلیدواژگان

شرق، شرق‌شناسی، نوشرق‌شناسی، مطالعات اسلامی، خاورشناسان، مسیحیت، کلیسا، اسلام.



هر تمدنی در پی خودباوری، بالندگی و کارآمدی شیوه‌های ارتباطش با دیگر تمدن‌ها پیش‌رفت می‌کند؛ زیرا رقابت میان تمدن‌های بزرگ به انگیزه پیش‌رفت و برتری بر دیگر ملت‌ها، همیشه وجود داشته و پیروزی در این میدان، از آن تمدنی بوده که افزون بر خودباوری و پشت‌گرمی به داشته‌هایش، آگاهی بیش‌تری درباره تمدن‌های رقیب داشته است. از این‌رو، غربیان همواره در رقابت تمدن‌های شرق و غرب، به شناخت ملت‌ها و تمدن‌های شرقی توجه کرده و از دیرباز کارهای فراوانی در این زمینه سامان داده‌اند. نمونه‌های برجسته این کارها را در گزارش جنگ‌ها، سفرنامه‌ها و پژوهش‌های علمی مستشرقان هم‌روزگار و کارهای تبلیغی و تبشیری مسیحیان می‌توان باز یافت. بنابراین، مطالعات شرق‌شناسی دوره‌ای دراز را فرامی‌گیرند و روشن ساختن تاریخ دقیق پیدایی آنها بسی دشوار است.

پی‌آمدهای مطالعات مستشرقان را از دیدگاه‌های گوناگونی می‌توان بررسیید؛ زیرا دولت‌مردان غربی به انگیزه «سلطه بر شرق» و دانش‌مندان و اندیشه‌ورزان مغرب‌زمین برای «برتری دادن تمدن و فرهنگ غربی بر تمدن شرقی»، به چنین پژوهش‌هایی پرداخته‌اند. اسلام و تمدن اسلامی، جایگاه ویژه‌ای در مطالعات شرق‌شناسی دارد و غربیان، بیش از دیگر زمینه‌ها بدان پرداخته‌اند؛ زیرا اسلام از دید آنان، دین تازه‌ای در کنار دیگر ادیان الهی و بزرگ‌ترین تهدید برای مسیحیت به شمار می‌آید.

بنابراین، مسلمانان از آشنایی با دیدگاه مستشرقان درباره اسلام و آگاهی از پی‌آمدهای پژوهش‌های اسلام‌شناختی آنان، ناگزیرند تا در تصمیم‌گیری‌ها و واکنش‌هایشان در برابر خاورشناسان، به تندروری و کندروی دچار نشوند و راه درست تعامل را با غربیان بیابند. شناخت درست این مطالعات، به بررسی آنها از دیدگاه‌های گوناگون نیازمند است. برای نمونه، آگاهی از انگیزه‌ها و هدف‌های مستشرقان، زمینه‌ها و پی‌آمدهای پژوهشی آنان، چگونگی عمل‌کرد غرب در برابر شرق در درازنای تاریخ و آشنایی با شیوه‌های نو در مطالعات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی حاکم بر جهان معاصر، بخشی از عنصرهای مهم این بررسی شمرده می‌شوند.

این نوشتار، با پرداختن به تعریف، تاریخچه، هدف‌ها و انگیزه‌های شرق‌شناسی، درآمدی بر این مطالعات پیش‌روی می‌نهد. واکاوی زمینه‌های پژوهشی غربیان و سیر دگرگونی آنها، در جستارهای بعدی خواهد آمد.



## تعریف

«استشراق» که از واژه شرق گرفته شده است، با درآمدنش به باب استفعال (طلب فعل)، در معنای خواستن چیزهای موجود در شرق به کار می‌رود؛ اما در اصطلاح، گستره فراوان و تعریف‌های گوناگونی دارد. برخی از این تعریف‌ها چنینند:

۱. دانش پرداختن به شرق یا دانش شناخت شرق. شرق‌شناس در این تعریف به معنای متخصص مطالعات شرقی است؛<sup>۱</sup>

۲. علمی که از ملت‌های شرقی، فرهنگ و تمدن و گذشته و حال آنان بحث می‌کند؛<sup>۲</sup>

۳. مطالعه و بررسی ملت‌های شرقی در سرزمین‌های اصلی آنان و مطالعه هجرت‌های پی در پی، ریشه و شاخ و برگ‌های نژادی، اوضاع اقلیمی و جغرافیایی، آثار باستانی، تاریخ و اسطوره‌ها، زبان و ادبیات، ادیان و مذاهب و آداب و رسوم آنان و آنچه به تمدنشان وابسته است.<sup>۳</sup>

این اصطلاح در ۱۷۶۹ میلادی در فرهنگ انگلیسی آکسفورد و در ۱۸۳۷ در فرهنگ علمی فرانسه پدید آمد<sup>۴</sup> و از آن پس به مطالعات سامان یافته درباره شرق، گفته شد.

## دگرگونی

غربیان از دیرباز به مطالعه درباره شرق و فرهنگ و تمدن شرقیان پرداخته و همواره پی‌آمدهای آن را مهم شمرده‌اند. این مطالعات در آغاز نام ویژه‌ای نداشت تا اینکه اصطلاح شرق‌شناسی در قرن هجدهم میلادی بر آنها نهاده شد.<sup>۵</sup> این اصطلاح پس از انقلاب صنعتی اروپا، رقابت کشورهای استعماری با یک‌دیگر و فزونی گستره آنها، دریافتن لزوم مطالعات بیش‌تر در این باره و کاهش نسبی بار منفی موجود در پژوهش‌ها شرق‌شناختی،

۱. محسن الویری، مطالعات اسلامی در غرب، ص ۱۳؛ رودی بارت، الدراسات الاسلامیه والعربیه فی الجامعات الالمانيه، ترجمه مصطفی ماهر، ص ۱۱.

۲. فاروق عمر فوزی، الاستشراق والتاریخ الاسلامی، ص ۲۹؛ زهرالدین صالح، الاسلام والمستشرقین، ص ۸۳.

۳. محسن الویری، همان، ص ۱۴.

۴. محمد الدسوقی، سیر تاریخی و ارزیابی اندیشه شرق‌شناسی، ترجمه محمودرضا افتخارزاده، ص ۱۸؛ ماکسیم رودنسون، «الصورة الغربية و الدراسات الغربية الاسلامیه»، تراث الاسلام، ج ۷۸.

۵. همان، ص ۸۸.

به «مطالعات شرقی» بدل گشت و در معنایی گسترده‌تر؛ یعنی دربرگیرنده مطالعات تخصصی گوناگونی مانند مطالعات اسلامی، منطقه‌ای، خاورمیانه، عبری، اسلام‌شناسی، ایران‌شناسی و... به کار رفت و کرسی‌های مطالعاتی ویژه‌ای برای آنها بنیاد گردید!

بحث درباره شرق، با عنوان جدید مطالعات شرقی، تنها در میان غربیان رواج ندارد، بلکه پژوهش‌گران شرقی نیز در این روزگار به جرگه شرق‌شناس غربی پیوسته و با مطالعه درباره فرهنگ، تمدن و تاریخ شرق، مطالعات آنان را نیز تحلیل و بررسی کرده‌اند. گسترش حوزه‌های مطالعاتی، موجب پیدایی عنوان‌های تازه‌ای مانند «مطالعات خاورمیانه‌ای»، «مطالعات عبری» و... شد و مطالعات درباره اسلام اهمیت و جایگاه ویژه‌ای یافت؛ یعنی غربیان به‌ویژه استعمارگران قرن‌های کنونی، با توجه به رویارویی اسلام و مسیحیت (مسلمانان و مسیحیان)، این مطالعات را بسیار مهم شمردند.

### مطالعات اسلامی

«مطالعات اسلامی» را چنین می‌توان تعریف کرد:

همه کارهایی که دانش‌مندان مغرب‌زمین از زمان ورود اسلام به اسپانیا تا کنون برای شناخت زبان، ادبیات، تاریخ، متون دینی، اندیشه‌ها و فرهنگ سرزمین‌های اسلامی سامان داده‌اند.

### آغاز شرق‌شناسی

دیدگاه‌های گوناگونی درباره پیدایی شرق‌شناسی وجود دارد؛ برخی از اندیشه‌ورزان هنگام پدید آمدنش را، عصر تمدن یونان قدیم<sup>۱</sup> و شمار دیگری، آن را قرن‌های پسین و عصر ظهور اسلام می‌دانند. مهم‌ترین نظرها در این باره به شرح زیر عرضه می‌شوند:

۱. عصر پیامبر اسلام و رویارویی ایران و روم؛
۲. نخستین قرن‌های اسلامی پس از فتح اندلس؛ یعنی هنگامی که راهبان برای فراگیری دانش بدان جا سفر می‌کردند؛
۳. زمان جنگ‌های صلیبی که نزاعی سیاسی - دینی میان اسلام و مسیحیت درگرفت؛

۱. ماکسیم رودنسون، *الاسلام و المشرق قرون*، ص ۸۶

۲. همان، ۸۸

۴. قرن دوازدهم میلادی؛ یعنی عصر ترجمه آثار اسلامی به لاتین و پیدایی نخستین ترجمه قرآن (۱۱۵۶م)؛

۵. پایانه قرن هجدهم میلادی؛ هم‌زمان با طمع‌ورزی‌های دولت‌های استعماری غرب؛

۶. قرن هفدهم و هجدهم میلادی که استشراق رسمی (آکادمیک) آغاز شد.

شرق‌شناسی رسمی با گسترش و پیش‌رفت اسلام همراه بود و اسلام در دوره‌های بعد، مانع گسترش مسیحیت در شرق شد. چنین استشرافی به شناخت اسلام، آداب و رسوم آن، زبان عربی و ادیان دیگری نیازمند بود که غربیان در اندیشه استعمار آنها بودند.<sup>۲</sup> از این‌رو، غرب در آغاز رسمی استشراق، کرسی استادی زبان‌های عربی، عبرانی و سریانی را در دانش‌گاه‌ها برپا کرد؛ پس تدریس و شناسایی لغت عربی، ترجمه قرآن و شناخت لغات شرقی و فرهنگ و تمدن آن را آغاز استشراق می‌توان دانست.

گمان می‌رود که با توجه به دیدگاه‌های پیش‌گفته در این باره، زمان خاصی برای شروع شرق‌شناسی نتوان تعیین کرد، اما به هر روی این دسته از مطالعات، گستره زمانی پهنی دارند که درباره روش و شکلشان، دیدگاه‌های گوناگونی مطرح است.

برای نمونه، پژوهش‌ها و آثار یونانیان باستان را از کهن‌ترین مطالعات درباره شرق باید شمرد؛ زیرا منظومه ایلیاد از هومر شاعر (۸ یا ۹ ق.م)، سیاحت‌نامه منسوب به فیثاغورث (۶ ق.م)، آثار هرودوت (۴۸۶-۴۲۰ ق.م) و گزنفون (۴۲۷-۳۵۵ ق.م)، اطلاعات ارزش‌مندی درباره ایران باستان و شرق در بردارند و همراهی مورخان و دانش‌مندان با اسکندر (جهان‌گشای شهیر) در حمله به به ایران و ثبت شدن روی‌دادها، نشان‌دهنده توجه اسکندر و یونانیان به شرق است.

رومیان نیز شرق را می‌شناختند، اما شناختشان از این سرزمین، به اندازه اطلاعات جغرافیایی و نظامی بود که برتری‌جویی غرب را نشان می‌داد و از نبرد آنان با شرقیان حکایت می‌کرد. پیدایی آیین شرقی مسیحیت و نفوذش به اروپا و غرب، تغییری در فرهنگ غربی نتوانست پدید آورد، اما اسلام در غرب گسترش یافت و شکوفایی‌اش در نخستین قرن‌ها، زمینه‌ای برای روی‌کرد تازه غربیان به شرق می‌توانست باشد. البته آنان

۱. محمد الدسوقی، همان، ص ۷۰. جنگ‌های صلیبی میان مسلمانان و مسیحیان درگرفت (۱۲-۱۳ میلادی). هدف مسیحیان از این جنگ‌ها، رها کردن بیت‌المقدس از دست مسلمانان بود. البته مسلمانان به پاس‌داشت جاهای مقدس مسیحی، باور داشتند. شمار این جنگ‌ها را تا هشت رسانده‌اند.

۲. همان، ص ۶۶.



به‌رغم آگاهی از اینکه اسلام دین مسیحیت را آیینی رسمی می‌داند، روی‌کردی دشمنانه به مسلمانان داشتند و از این‌رو، آثاری اندکی درباره پیامبر اسلام<sup>6</sup> و قرآن پدید آوردند. نام و شمار کتاب‌ها و مطالعات آنان، گواه چنین روی‌کرد است. مطالعات اسلام‌شناختی که پس از گسترش اسلام در اسپانیا آغاز شد، دنباله مطالعات روم و بیزانس نمی‌توان برشمرد؛ زیرا غرب یک‌دست و یک‌پارچه نبود، اما می‌توان دوره دراز مطالعات خاورشناختی را از یونان باستان تا انگلستان، آغاز شرق‌شناسی دانست.

### دوره‌های شرق‌شناسی

تمدن غرب و شرق در بنیاد با یک‌دیگر متفاوت و همواره رویاروی بوده‌اند، اما غربیان به استناد آثار بر جای مانده از یونان باستان، از دیرباز برای شناخت شرق می‌کوشیده‌اند. پس از ظهور اسلام، روابط شرق و غرب دگرگون شد و به‌رغم اینکه اسلام، دین مسیحیت را می‌پذیرفت، مسلمانان و مسیحیان واکنشی مسالمت‌آمیز در برابر هم و دیدگاه خوبی درباره یک‌دیگر نداشتند و رابطه‌ای دشمنانه میانشان وجود داشت. مطالعات اسلامی و شرق‌شناختی غربیان، در دوره‌های گوناگون فراز و فرودهای بسیاری پیموده است. برخی از محققان، چهار دوره برای این مطالعات برمی‌شمارند:

۱. قرون وسطی؛

۲. عصر عثمانی؛

۳. دوره جدید؛

۴. نیمه دوم قرن بیستم<sup>۱</sup>.

شمار دیگری از آنان نیز با تعیین چهار مرحله دفاع، تیشیر، استعمار و تحقیق علمی<sup>۲</sup>، از دیدگاه دیگری چهار مرحله زیر را در این‌باره مطرح می‌کنند:

۱. تمرکز بر فحاشی و ناسزاگویی و افترا؛

۲. تلاش برای اثبات کمبود در اسلام؛

۳. سخن از ضرورت اصلاح دین و نوسازی مذهب؛

۴. تلاش برای اثبات بی‌اصالتی اسلام و ترکیبی بودن آن از ادیان پیشین<sup>۳</sup>.

۱. حسن خربوطی، المستشرقون و التاريخ الاسلامی، ص ۲۵.

۲. محسن الویری، همان، ص ۴۰ به نقل از رساله الاسلام، الدرر السلامیه فی اللغات الاوربیه، ج ۱۴، ص ۲۲.

۳. ابوالفضل شکوری، جریان شناسی تاریخ نگاری‌ها در ایران معاصر، ص ۲۸۹.



بی‌گمان، عوامل فرهنگی - سیاسی غرب و شرق و روابط آنها با یکدیگر، در دگرگونی‌های این مطالعات تأثیر می‌گذارد و از این‌رو، مراحل پژوهش‌های خاورشناختی را در تقسیم‌بندی جامع زیر می‌توان گنجانند:

#### الف) از آغاز تا پایان جنگ‌های صلیبی

دوره آغازین شرق‌شناسی که با تأثیرپذیری مسیحیان از اسلام پس از فتح اندلس همراه بود، رویکرد دشمنانه مسیحیان به اسلام و مسلمانان را در پی آورد؛ زیرا گسترش اسلام، از دید سیاسی - نظامی و فرهنگی - مذهبی به غریبان آسیب می‌رساند و بنابراین، واکنش‌های دوسویه سختی میان آنان پدید آمد و پایه‌های جنگ‌های صلیبی نهاده شد که پی‌آمدی جز ویرانی نداشت.

اگرچه مسلمانان در این میدان‌های کارزار بیش‌تر پیروز شدند و کمابیش توفیق یافتند، پیام ارزش‌مند جنگ‌های صلیبی به مسیحیت این بود که اسلام و مسلمانان را با نیروی نظامی نمی‌توان شکست داد، بلکه به جنگ فکری و فرهنگی آنان باید رفت. پطرس پس از انتشار نخستین ترجمه قرآن (۱۱۵۶ م) گفته بود: «اینک می‌توان دشمن را شناخت. نقطه آغاز جنگ علیه اسلام همان قرآن است»<sup>۱</sup>.

مسیحیان در پی آشنایی، ازدواج و آمد و شد با مسلمانان، رفتن نزد پزشکان و بهره‌گیری از توانایی‌های صنعت‌گران و کشاورزان مسلمان، از آنان تأثیر پذیرفتند و از این‌رو، شناختشان را از اسلام نمی‌توان انکار کرد، اما به هر روی، بیش‌تر اروپاییان قرون وسطا به اسلام بدگمان بودند. مونتگمری وات، در این‌باره می‌گوید:

اسلام دین دروغ و فریب و وارونه جلوه دادن است. اسلام دین زور و شمشیر است. اسلام شهوات انسان را آزاد می‌شمرد. محمد ضد مسیح و دشمن اوست.<sup>۲</sup>

#### مهم‌ترین رخداد‌های این دوره

۱. غرب برتری شرق را پذیرفت و در پی شکوفایی علمی - اقتصادی یا رستاخیز علمی - فرهنگی برآمد؛
۲. به زبانی عربی و تمدن اسلامی بیش‌تر توجه شد؛

۱. رودنسون، همان، ص ۲۱.

۲. مونتگمری وات، تأثیر اسلام در اروپای قرون وسطا، ترجمه حسین عبدالحمیدی، ص ۱۲۵.

۳. الدسوقی، همان، ص ۷۵.

۳. میراث اسلامی به اروپا رفت؛
۴. غرب با نفوذ در مسلمانان و ویران ساختن باورهایشان و برپایی جنگ فکری در میان آنان، به ستیز گسترده‌ای با اسلام دست زد؛
۵. قرآن کریم به انگیزه شناختن اسلام و رویارویی با آن ترجمه شد؛
۶. گستره شرق‌شناسی با پیدایی کرسی‌های تخصصی در دانش‌گاه‌ها و فراهم آمدن زمینه برای نفوذ به شرق بیش‌تر شد؛
۷. بدگویی از اسلام و آموزه‌های آن رواج یافت؛
۸. جدایی اسلام و اروپاییان افزون‌تر شد.<sup>۱</sup>

(ب) دوره رنسانس

روی‌کرد غربیان به مسلمانان و شناختشان از اسلام، پس از پایان یافتن جنگ‌های صلیبی و در پی دگرگونی‌های نوپدید در زمینه‌های فکری و اجتماعی اروپاییان (رنسانس یا تجدید حیات علمی)، تغییر کرد؛ زیرا رنسانس تحولاتی در جهان‌بینی و نگره‌های دینی آنان پدید آورد و در روند اسلام‌شناسی در غرب تأثیر گذارد و از این‌رو، انگیزه شناخت دقیق‌تر و درست‌تر اسلام و مسلمانان، در اروپا نیرو گرفت. این پدیده به‌راستی پی‌آمد ترس غرب از فتوحات و پیش‌روی‌های ترکان در اروپا بود؛ چنان‌که ژاک واردنبرگ در مقاله «مستشرقون» خود در *دائرةالمعارف اسلام* گفته است: «این همسایگی و مجاورت ترکان، موجبات درک و دانش عینی‌تر و دقیق‌تری را از اسلام و مسلمانان برای غربیان فراهم آورده بود»<sup>۲</sup>.

### مهم‌ترین رخداد‌های این دوره

۱. در پی از دست رفتن قسطنطنیه در جنگ‌های صلیبی، نگرش منفی به اسلام در بیش‌تر مردم بود؛
۲. باور به ایستادگی بشر در برابر همه سختی‌ها، با خرافات قرون وسطایی آمیخت و از این‌رو، ایستادگی در برابر ترکان عثمانی «شکوه و عظمت بشر» خوانده شد؛

۱. همان، ص ۷۴.

۲. مرتضی اسعدی، *مطالعات اسلامی در غرب انگلیسی‌زبان*، ص ۹۸، به نقل از:



۳. پروتستان‌ها اصلاح‌گری پایانه دوره رنسانس را با بی‌حرمتی به اسلام و پیامبرش و بیزاری از آنها آمیختند.<sup>۱</sup>

لوتر در مقدمه ترجمه کتاب در رد قرآن می‌نویسند:

نمی‌توان راه حل دینی یا عقلانی در برابر چالش اسلام با مسیحیت یافت. مسلمانان را نمی‌توان به دین مسیح درآورد.<sup>۲</sup>

این بدگمانی لوتر، برآمده از بی‌اعتنایی یا ناآگاهی او به اسلام است؛ زیرا اسلام دین تعقل و اندیشه شمرده می‌شود. دجال (ضد مسیح) واقعی از دید لوتر، نه محمد و سپاه ترک که خود پاپ بود. او محمد را - معاذ الله - پسر شیطان می‌دانست و او را در بدی (شرارت) پیش از پاپ می‌نشاند.<sup>۳</sup>

ج) نیمه سده هیجدهم تا پایان جنگ جهانی دوم

شرق‌شناسان در این زمان که از مهم‌ترین دوره‌های شرق‌شناسی است، در بد نمودن چهره اسلام به اروپاییان و دیگر مردم جهان کوشیدند و از این‌رو، در خدمت رساندن به سیاست استعماری غرب و شوراندن افکار عمومی بر ضد اسلام بسیار تأثیر گذاردند.<sup>۴</sup>

### مهم‌ترین رخداد‌های این دوره

۱. رابطه شرق‌شناسی و استعمار استوار شد؛
۲. مراکز، مؤسسه‌ها و گروه‌های شرق‌شناسی پدید آمدند؛
۳. همایش‌ها و نشست‌های شرق‌شناسی برگزار شد؛
۴. نشریه‌های شرق‌شناسی «جهان اسلام» سامان یافتند؛
۵. شرق‌شناسان غربی، به جهان اسلام شناسانده شدند و دانش‌جویان مسلمان نزد آنان آموزش دیدند؛
۶. بخش پژوهش‌های شرقی در دانش‌گاه‌ها شکل گرفت و بررسی میراث اسلامی به کانون کارهای پژوهشی بدل گشت؛
۷. اعتماد مسلمانان سست گردید؛

۱. مینو صمیمی، محمد در اروپا، ترجمه عباس مهرپویا، ص ۲۳۴.

۲. همان.

۳. همان.

۴. الدسوقی، همان، ص ۸۸.

۸. برخی از شرق‌شناسان به اسلام گراییدند.<sup>۱</sup>

(د) پس از جنگ جهانی دوم

اوضاع پس از جنگ دوم جهانی بسیار دگرگون بود؛ زیرا اروپاییان پس از چند قرن دخالت پیوسته در شرق در هنگامه این جنگ و به‌رغم تصرف کامل بسیاری از سرزمین‌های شرقی، با استقلال‌طلبی کشورهای اسلامی، تقسیم‌شدن سرزمین‌های زیر فرمانشان و هم‌چشمی کردن کشورهای اروپایی درباره شرق روبه‌رو شدند. آنان هم‌چنین، به چگونگی رویارویی با روشن‌فکران محلی و...، باید پاسخ می‌گفتند. از سوی دیگر، پیدایی فلسفه دین و نگرش و اندیشه علمی درباره ادیان و حضور اندیشه‌ورزان مسلمان در مراکز علمی غرب، افزایش شرق‌شناسان شرقی و گنجانده شدن دین اسلام در چارچوب دین‌های الهی در شورای واتیکان، زمینه بازنگری را در شرق‌شناسی فراهم آورد.

### مهم‌ترین رخداد‌های این دوره

۱. دیگر ادیان با تعصب کم‌تر و واقع‌بینانه‌تر بازنگری شدند؛
۲. محمد<sup>6</sup> و دین اسلام، در ترازوی بازنگری و ارزیابی تازه‌ای جای گرفت؛
۳. جنگ نظامی - فیزیکی با اسلام به نبرد فکری - قلمی بدل گشت و دوره مطالعه انتقادی و علمی درباره شخصیت محمد<sup>6</sup> و اسلام آغاز شد؛
۴. به انگیزه خدمت‌رسانی به مصالح استعماری برای نابودی هویت اسلام تلاش کردند.<sup>۲</sup>

البته شرق‌شناسانی مانند جان دیون پورث، مونتگمری وات و... نیز در این دوره بودند که به واقعیت‌هایی درباره اسلام دست یافتند.

(د) شرق‌شناسی نو<sup>۳</sup>

شرق‌شناسی در این دوره (سه یا چهار دهه پیش)، روی کردهای تازه‌ای به موضوع‌ها و پی‌آمدهای ویژه‌ای داشته است. سخن گفتن قطعی درباره شرق‌شناسی این دوره و ویژگی‌های آن به دلیل نوپا بودنش امکان‌پذیر نیست، اما به دلیل همین نوپایی و دست‌آوردهای مهمش به برخی از مهم‌ترین خصلت‌های آن اشاره می‌شود:

۱. همان، ص ۸۷

۲. همان، ص ۱۰۷؛ صمیمی، همان، ص ۴۶۹

۳. به نقل از محسن الویری، «روی‌کردهای نو در شرق‌شناسی»، اندیشه صادق، ش ۱۵، تابستان ۱۳۸۳.



۱. متن‌گروی و پذیرش قرآن در قالب متنی دینی؛
۲. نیرو گرفتن مطالعات میان‌رشته‌ای و چند رشته‌ای؛
۳. فزونی یافتن انعطاف و انصاف علمی؛
۴. تخصصی‌تر و خردتر شدن مطالعات و سامان یافتن پژوهش‌ها در موضوع‌های جزئی؛

۵. افزایش چشم‌گیر توجه به تشیع به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران؛

۶. یهودی‌گری و گسترش شرق‌شناسی با گرایش‌های یهودی؛

۷. گسست اسلام‌شناسی‌های عالمانه و رسانه‌ای.

### هدف‌ها و انگیزه‌های شرق‌شناسی

انگیزه‌ها و هدف‌های شرق‌شناسی، از مسائل مهم در این‌باره، دارای جایگاه ویژه‌ای در مبحث استشراق و در روی‌کرد شرقیان به پی‌آمد پژوهش‌های خاورشناسان بسیار تأثیرگذار است. بررسی انگیزه‌های شرق‌شناسان از این روی مهم می‌نماید که به چستی روی‌کردهای آنان در مطالعاتشان پاسخ می‌گوید و در روی آوردن به چنین مطالعات و دگرگونی شیوه‌ها و حتی موضوع‌های خاورشناسی و پی‌آمدهایش تأثیر می‌گذارد.

انگیزه‌های تبشیری و دینی، استعماری - سیاسی و علمی را در میان عوامل و انگیزه‌های فراوان شرق‌شناسی، از مهم‌ترین آنها می‌توان برشمرد.<sup>۱</sup>

#### الف) انگیزه‌های تبشیری و دینی

به‌گمان، انگیزه دینی از آغاز شرق‌شناسی وجود داشته، اما چهره ویژه آن پس از اسلام نمایان شده است. مسیحیان از آغاز اسلام را مانع رشد مسیحیت می‌دانستند و از این‌رو، عالمان مسیحی و ارباب کلیسا به انگیزه یافتن ضعف‌های اسلام و آسیب رساندن به آن، به فراگیری زبان عربی و ترجمه متن‌های اسلامی به‌ویژه قرآن روی می‌آوردند. برای نمونه، راجر بیکن، کشیش فرانسسکن انگلیسی برای گسترش مسیحیت در میان مسلمانان، بر فراگیری زبان عربی تأکید می‌کرد.<sup>۲</sup> ریموند لول نیز پس از او تنها با هدف مسیحی کردن

۱. فاروق عمر فوزی، همان، ص ۳۱؛ مریم جمیله، *خاورشناسی و توطئه خاورشناسان*، ترجمه سید غلامرضا سعیدی، ص ۳۳.

۲. محسن الویری، همان، ص ۱۸۶، به نقل از *شرق‌نوی، فی الفکر الاسلامی المعاصر*، ص ۴۱.

جهان اسلام، برای برپایی کرسی‌های زبان عربی در کشورهای گوناگون اروپایی می‌کوشید.

ترس مسیحیان از اسلام، آشکارا در روند پیدایی مطالعات اسلامی تأثیر گذارد و کلیسای اروپا به انگیزه استوار ساختن پایه‌های ایمان مسیحی، به بدنمایی چهره اسلام، حضرت محمد<sup>6</sup> و تمدن اسلامی پرداخت.<sup>۱</sup>

پژوهش‌گران اروپایی قرن نوزدهم، اسلام را دشمن و رقیب سرسخت مسیحیت می‌دانستند. برای نمونه، فردریک دنیس موریس، استاد الاهیات و کلام مسیحی مدرسه الاهیات کینگر کالج لندن، بر آن بود که دولت مقتدر و استعمارگر انگلستان در نشر انجیل مسئول و برای این کار از شناخت ادیان سرزمین‌های دیگر و تفاوت‌های آنها با مسیحیت ناگزیر است.<sup>۲</sup> نشریه دیتا لاین (DataLin) آمریکا نیز در بیانیه‌ای به هدف‌های تبشیری مسیحیت اشاره می‌کند:

جهان اسلام یکی از جاهایی است که کم‌تر مورد توجه مبشران قرار گرفته است. یک پنجم ساکنان جهان را در حال حاضر مسلمانان تشکیل می‌دهند و جهان اسلام یکی از آخرین خطوط دفاعی است که باید توسط انجیل شکسته شود.<sup>۳</sup>

#### ب) انگیزه‌های سیاسی و استعماری

انگیزه‌های سیاسی و استعماری استشراق را مهم‌ترین عامل پاگرفتن آن دانسته‌اند؛ یعنی نخستین عامل پیدایی شرق‌شناسی و حتی اسلام‌شناسی در دوره‌های بعد، هدف‌های استعماری بوده است و مستشرقان نیروی دولت‌هایشان برای استعمار اقتصادی و سیاسی کشورهای شرقی به شمار می‌رفته‌اند. البته سرچشمه استعمار را با درنگ بیش‌تر در این باره، در عصر روشن‌گری و انقلاب صنعتی غرب می‌توان جست؛ دوره‌ای که پیش‌رفت‌هایی در کار صنعت و کارخانه‌های غربی پدید آمد و نیاز به منابع اولیه و بازار مصرف، غربیان را واداشت که با تصرف دیگر کشورها به هدف‌های خود برسند. بنابراین، افزون بر عامل استعماری و سیاسی، انگیزه‌های مهم اقتصادی را در پیدایی استشراق مؤثر باید دانست. مرحوم انجوی شیرازی در این باره می‌گوید:

۱. همان، ص ۱۸۶.

۲. همان.

۳. همان، ص ۱۸۸، به نقل از مرتضی اسعدی، تفکر دینی، تفکر متعلق به شرق، ص ۲۱۳.

۴. محسن الویری، ص ۱۸۸، به نقل از محمد الدسوقی، الفکر الاستشراقی؛ تاریخ و تقویم، ص ۱۵۳.

راه انداختن این علم (شرق‌شناسی) و ساختن و پرداختن این حيله و فن و سرانجام لباس رشد علمی بر هیکل منحوس آن کردن و چنین دگه شیطانی آراستن، فقط و فقط به خاطر غارت کردن ذخایر گران بها بوده است ... استشراق و شرق‌شناسی صورتکی (ماسکی) بوده است که این طلایه‌داران استعمار به صورت کره و چهره دوزخی خود زده‌اند تا آن چه به دست می‌آوردند، بچاپند و بغارتند و فرهنگ کهن و ثمربخش و شخصیت‌ساز ما را خراب کنند!

غریبان نیز در سخنان خود از وجود این انگیزه‌ها خبر می‌دهند. ابراهام ویلوک، نخستین استاد کرسی مطالعات عربی در دانش‌گاه کمبریج می‌گوید:

این کرسی، تنها هدف فعال ساختن ادب و نشر معارف را ندارد، بلکه هدف آن هم چنین خدمت به پادشاهی و حکومت در زمینه‌های تجارت با سرزمین‌های شرق و گسترش آفاق کلیسا و پراکندن دیانت مسیحیت بین حیرت‌زدگان در تاریکی است.<sup>۱</sup>

برنارد لوئیس به صراحت درباره این هدف‌ها و انگیزه‌ها می‌گوید:

آن چه ما، در صدد آن هستیم این است که توجهات به سوی ما بیش‌تر شود ... و رسیدن به این جایگاه زمانی حاصل می‌شود که ما خودمان را بالاتر و از تمدنی برتر معرفی کنیم. پس اگر شرقیان به سوی ما روی آوردند برای ما خوب است...<sup>۲</sup>

هم‌چنین برخی از مستشرقان مانند دوساسی (۱۸۳۸م)، لویی پروفنسال (۱۹۵۶م)، لوئی ماسینیون (۱۹۶۲م) و... به خدمت دولتی درآمده یا با آنان هم‌کاری کرده‌اند. پیوند استشراق و استعمار به اندازه‌ای است که برخی از محققان استشراق را «گماشتن علم به خدمت سیاست استعمارگری» خوانده‌اند.<sup>۳</sup>

ج) انگیزه‌های علمی

نمونه‌هایی از گفته‌های منصفانه و به دور از کینه‌توزی مستشرقان درباره اسلام، از قرن هیجدهم به بعد، در آثار آنان دیده می‌شود. این روند در قرن بعد به‌ویژه نیمه دوم قرن بیستم تا جایی گسترش می‌یابد که این دوره را به «مرحله تحقیق علمی» در مطالعات شرق‌شناسی می‌نامند. ادوارد سیل، در مقدمه ترجمه قرآن خود، حکمت و آرای سیاسی و واقع‌گرایی پیامبر را می‌ستاید و اگوست کنت در قانون مراحل سه‌گانه رشد اجتماعی،

۱. همان، ص ۱۸۹، به نقل از انجری شیرازی، «علت وجودی استشراق و مستشرق»، مجله نگین، ش ۸۵، ص ۵.

۲. زهرالدین، همان، ص ۱۱۰.

۳. عمر فوزی فاروق، همان، ص ۲۵.

۴. ابوالفضل شکوری، همان، ص ۳۰۹.

اسلام را در مرحله «ریانی» پیش‌رفته‌ترین نمود برمی‌شمارد. کارلایل نیز در کتاب *قهرمانان*، تهمت دروغین را بر ضد پیامبر رد می‌کند و این گونه از باورها را شرم‌آور می‌خواند. هادریان ریلاند در *دیانت محمدیه*، می‌نویسد: این دین اسلام که امروز چنین گسترش یافته و کل آسیا، آفریقا و اروپا را فراگرفته است، چنان که مسیحیات می‌پندارند دین سخیف و کم‌ارزشی نیست و مسیحیت در دیدگاه خود باید بازنگری کند.<sup>۱</sup>

این نمونه‌ها، نشان‌دهنده پیدایی تحول و واقع‌گرایی در اندیشه مستشرقان است. اگرچه آنان به‌رغم این دگرگونی، از آموزه‌های راستین اسلامی و زندگانی پیامبر و پیشوایان دین به شایستگی آگاه نیستند، همین تحول اندک و واقع‌نگری و سخن گفتن دور از تعصبشان نیز ستودنی است.

سبب‌های روی دادن این تحول را چنین می‌توان برشمرد:

۱. بی‌نیازی غرب از شناخت شرق به شیوه سنتی و گردآوری انبوهی از اطلاعات لازم در این باره؛
۲. برآمدن هزینه‌ها و تقویت شدن پشتوانه‌های مالی مؤسسات شرق‌شناسی و از میان رفتن وابستگی آنها به دولت‌ها برای برآوردن هدف‌های استعماری؛
۳. افزایش حضور دانش‌مندان مسلمان در دانش‌گاه‌های اروپا و امریکا و شرکت آنان در درس‌های اسلام‌شناسی؛
۴. افزایش گفت‌وگو و هم‌نشینی علمی در قالب همایش‌ها و نشریه‌ها؛
۵. دستیابی به ابزارهای ارتباط جمعی و رسانه‌ها و بی‌نیازی از اهرم مطالعات برای رسیدن به هدف.<sup>۲</sup>

### پایه‌های شرق‌شناسی

شرق‌شناسان به‌رغم داشتن برخی از دیدگاه‌ها یا روش‌های متفاوت درباره شرق، اصول ثابتی دارند که آنها را در آثار همه دوره‌های شرق‌شناسی می‌توان یافت:<sup>۳</sup>

۱. مغرب‌زمینیان منطقی، برتر، توسعه‌یافته با مشرق‌زمینیان گمراه، توسعه‌نیافته، حقیر و پست متفاوتند؛

۱. عمر فوزی فاروقی، همان، ص ۳۸.

۲. محسن الویری، همان، ص ۲۰۱.

۳. ادوارد سعید، *شرق‌شناسی*، ص ۵۳۵.



۲. شرق، همواره یکنواخت و در توصیف خود ناتوان و بهره‌گیری از واژه‌های کلی و منظم غرب ناگزیر است؛

۳. تحلیل و انتزاع‌های غربیان درباره شرق همواره بر گواهان و مدارک مستقیم و راستین شرقی می‌چربد؛

۴. مشرق‌زمین (نژاد زرد مغول و...)، پدیده‌ای است که از آن باید ترسید و با آرام کردن، تحقیق و توسعه یا تصرف مستقیم، مهارش کرد.

### منابع مستشرقان

مستشرقان برای آگاهی از واقعیت‌های شرق به‌ویژه اسلام و مسلمانان و پیامبرشان، به واکاوی منابع فراوانی می‌پردازند که مهم‌ترین آنها، قرآن، کتاب‌های سیره، آثار مستشرقان پیشین (نخستین) است. اندازه اعتماد خاورشناسان به این منابع، در پژوهش‌هایشان بسیار تأثیر می‌گذارد:

#### الف) قرآن

مطالعه قرآن برای فهمیدن درست اسلام لازم و ناگزیر است. از این‌رو، مستشرقان برای درک آموزه‌های آن و حقیقت اسلام یا به دیگر انگیزه، به ترجمه قرآن پرداخته‌اند و نخستین ترجمه آنان از قرآن، در قرن دوازدهم سامان یافت. این کتاب آسمانی در پی بازگویی موضوع‌های تاریخی نیست و از این‌رو، برای شناخت روی داده‌های صدر اسلام به‌ویژه زندگانی حضرت محمد، گزاره‌های فراوانی در آن یافت نمی‌شود. بنابراین، بهره خاورشناسان از قرآن در زمینه سیره نبوی بسیار اندک است.

#### ب) کتاب‌های سیره

مطالب این منبع آن به دلیل نزدیکی‌اش به روزگار آغاز اسلام، اعتبار بیش‌تری دارد، اما مستشرقان کمبودهایی نیز برای این کتاب‌ها برمی‌شمرند:

۱. شفاهی بودن روایات یا نامستند بودن برخی از آنها به دلیل نوشته شدنشان در آغاز

قرن دوم؛

۲. وجود سلیقه‌های شخصی و اضافات در آنها؛

۳. جرح و تعدیل‌ناپذیری سند روایات این کتاب‌ها به دلیل ناممکن بودن نقد

دقیق آنها؛

۴. تدوین احادیث تاریخی آنها بر پایه خواسته‌های حاکمان نه گزارش راستین؛



۵. آمیختگی اخبار آنها با تندروی و بزرگ‌نمایی به دلیل بدل شدن پیامبر به انسانی افسانه‌ای در زمان خود و تعلق داشتن او به حوزه قدسی بیش از وابستگی‌اش به تاریخ، البته خاورشناسان به‌رغم این نقدها از کتاب‌های سیره سود جسته و از مهم‌ترین و معتبرترین آنها چنین یاد کرده‌اند:

سیره ابن‌هشام؛

صحیح بخاری (م ۲۵۶ق)، جامع‌ترین و معتبرترین مجموعه حدیثی؛

تاریخ الرسل و الملوک، نوشته محمد بن جریر طبری، بهترین و مشهورترین کتاب درباره سیره؛

تاریخ ابن‌اثیر (م ۵۶۳)؛

تاریخ ابوالفداء (م ۵۳۷۲)؛

طبقات ابن‌سعد؛

از ویژگی‌های تاریخ الرسل و الملوک (تاریخ طبری) آوردن منابع و اسناد خبر و گزارش خام روی‌داده‌ها، آزاد گذاشتن خواننده در داوری و گنجاندن روایت‌های گوناگون در آن با نام نویسندگان یا راویان آنهاست. طبری افزون بر مورخ بودن، محدث و مفسر قرآن است و برخوردارش از این ویژگی‌ها، اثر او را در دید مستشرقان برجسته‌تر می‌نماید.

#### آثار نخستین مستشرقان

مهم‌ترین منبع مستشرقان، نوشته‌های شرق‌شناسان پیشین است و آنان این نوشته‌ها را منبع اصلی پژوهش‌های خود می‌دانند. از این‌رو، دیدگاه منفی و روی‌کرد دشمنانه نخستین مستشرقان که به دنبال جنگ‌های صلیبی و برتری یافتن شرق بر غرب پدید آمده، در نظر مستشرقان پسین نیز تأثیر گذارده است. بنابراین، آثار آنان هیچ‌گاه تهی از غرض‌ورزی نیست و همواره بدان‌ها با درنگ و بدگمانی باید نگریست. البته برخی از آثار نیم قرن اخیر مستشرقان، بیش از پیش به واقعیت نزدیک و از غرض‌ورزی و تعصب دور است. دکتر استیفان فیلد درباره کتاب نولدکه<sup>۱</sup>، شرق‌شناس آلمانی درباره قرآن می‌گوید: «هر شرق‌شناسی که بخواهد به پژوهش‌های شرقی بپردازد، باید کتاب نولدکه را بخواند».

۱. این منابع کهن را «کتب سیره» نمی‌نامند، اما به دلیل برخوردارش از نکته‌هایی ارزش‌مند درباره تاریخ زندگی پیامبر، از آنها یاد شد.

۲. تئودور نلدکه آلمانی (۱۹۳۱-۱۸۳۶م)، نخست نزد پدرش آموزش دید. وی در کودکی به فراگیری زبان‌های لاتین، سریانی، عبری و عربی پرداخت و در ۱۸۵۶ رساله دکتری‌اش را با عنوان تاریخ قرآن به لاتین نوشت.



شرق‌شناس دیگری درباره ماسینیون<sup>۲</sup> می‌نویسد: «همه شرق‌شناسان که امروز به اندیشه عربی اسلامی توجه خاص نشان می‌دهند، به گونه‌ای از ماسینیون متأثرند»<sup>۳</sup>.

## تاریخ اسلام نزد مستشرقان

دیدگاه مستشرقان را درباره اسلام و پیامبر آن<sup>۴</sup>، در جایی گسترده‌تر از این جستار باید بررسیید، اما گذرا باید گفت که نظر آنان نه بر پایه روایات موثق استوار و نه از غرض‌ورزی تهی است و از این‌رو، درباره آنها باید درنگ کرد. آنان با توجه به دیدگاهشان درباره پیامبر اسلام در یکی از گروه‌های زیر می‌گنجد<sup>۵</sup>:

۱. منکران نبوت محمد<sup>۶</sup>؛

۲. باورمندان به اخلاص و راست‌گفتاری محمد<sup>۶</sup> و خیالی بودن وحی او؛

۳. معتقدان به اینکه وحی محمد<sup>۶</sup>، روایت‌های شفاهی یهودیت و مسیحیت است که او

آنها را برای اصلاح و سامان‌دهی عربان به کار گرفت؛

۴. معترقان به پیامبری و وحی راستین و راستی گفتار و کردار محمد<sup>۶</sup>. مانند کارلایل،

جان دیون پورث و ...

مستشرقان بر اساس دیدگاه و آثاری که بر جای گذاشتند به دو گروه تقسیم می‌شوند:<sup>۵</sup>

الف) مستشرقان منفی‌نگر

این دعوی را با بررسی آثار مستشرقان درباره اسلام و حضرت محمد<sup>۶</sup> می‌توان اثبات کرد که روی کردی متعصبانه و مغرضانه به اسلام و پیامبر آن<sup>۶</sup>، در نوشته‌های دوره‌های پیشین آنان وجود داشت؛ یعنی پیامبر در این آثار، فردی نااخلاقی و دارای عیب‌ها و

---

همین کتاب، برجسته‌ترین و مهم‌ترین اثر اوست. دانشگاه پاریس در ۱۸۵۸ به این کتاب جایزه ویژه داد. نلدکه در سن ۹۴ سالگی (۱۹۳۱) درگذشت.

۱. محمد الدسوقی، سیرتاریخی و ارزبایی شرق شناسی، ص ۱۰۸.

۲. لوئی ماسینیون (۱۸۸۳-۱۹۶۲) در نوزان فرانسه زاده شد. وی دکتری ادبیات داشت و استاد مدرسه پژوهش‌های عالی سوربن و رئیس انجمن پژوهش‌های ایرانی بود. او از دید اهل سنت به شیعه نگریسته و به آشنایی‌اش با تصوف شرق، تشیع را گونه‌ای از تصوف می‌دانست. البته دو کتاب او؛ یعنی *سلمان پاک* و *مباهله در مدینه*، نشان‌دهنده دشمنی نداشتن او با تشیع است. وی در برجسته‌ترین اثر خود به تصوف اسلامی - ایرانی و حلاج می‌پردازد.

۳. محمد الدسوقی، همان، ص ۱۰۹.

۴. فاروق عمر فوزی، *الاستشرق و التاریخ الاسلامی*، ص ۹.

۵. صمیمی، همان، ص ۱۹۱؛ الدسوقی، همان، ص ۱۹.



کمبودهای اخلاقی خوانده می‌شد. روحانیان کلیسا، شرق‌شناسان، مورخان، فیلسوفان، سیاست‌مداران، نمایش‌نامه‌نویسان، شاعران و...، می‌کوشیدند که وجود سلوکی افراطی و ناهنجار را در اسلام و محمد<sup>6</sup> اثبات کنند و با دروغ‌پراکنی، به نقد آن پیامبر<sup>6</sup> پردازند. آنان اکنون نیز با بدگمانی درباره وحی پیامبر<sup>6</sup> و باور به وجود سرچشمه انسانی برای آن، تردید در مصادر وحی، در انداختن شبهه‌های بی‌پایه و داستان‌های خیالی و تهمت‌های فراوان درباره پیامبر اسلام و به شیوه‌های دیگر، در پی ویرانی اسلام و باورهای اسلامی‌اند.

مستشرقانی مانند بوسوئه و دوزی در کتاب *تاریخ مسلمانان در اسپانیا و لامنس* در *پیرامون سیره نبوی و وضع مکه پیش از هجرت و فاطمه و دختران محمد* یا *جان لید گیت در سقوط شاهزادگان*، چنین روشی دارند. گیت در آن کتاب، داستان ماحومت (پیامبر دروغین) را می‌آورد و نیروی جادویی برای جذب خدیجه و بیماری صرع را به پیامبر نسبت می‌دهد و سرانجام با بی‌شرمی، داستان دروغین وفات پیامبر<sup>6</sup> را - نعوذ بالله - بر اثر بی‌بند و باری در خوردن شراب و گوشت خوک می‌سراید. *سفرنامه* سرجان ماندویل و کتاب *پولی کرانینگن*، نوشته راتولف هیگدن از دیگر آثار است که خاورشناسان در آنها از تهمت و دروغ بستن به پیامبر گرامی اسلام دریغ نورزیده‌اند، اما مسلمانان نمی‌توانند همچون آنان رفتار کنند؛ زیرا قرآن آنان را به پاس داشت و تقدیس عیسی مسیح؛ یعنی یکی از پیامبران آسمانی فرمان می‌دهد.

(ب) مستشرقان منصف<sup>۱</sup>

برخی از مستشرقان، تا اندازه‌ای به عدالت و انصاف نزدیک بودند و حتی پس از درک راستی و درستی اسلام، بدان گرویدند<sup>۲</sup>. نام و نمونه‌ای از سخنان شماری از آنان چنین گزارش می‌شود:

۱. هگل: «تاریخ همواره در شرق طلوع کرده و این شرق است که همیشه خاستگاه تمدن بوده است<sup>۳</sup>». هگل مستشرق خوانده نمی‌شود.

۱. صمیمی، همان، ص ۱۷۸؛ الویری، همان، ص ۲۰۳؛ الدسوقی، همان، ص ۲۰.

۲. پروفیسور هارون لئون انگلیسی، جرمانوس مجارستانی، ل.ر. پرمستلی استرالیایی، دکتر یارون اتریشی و... از این گروهند. ر.ک: حسین عبداللہی خوروش، *فرهنگ اسلام‌شناسان خارجی*.

۳. الدسوقی، همان، ص ۲۱؛ مینو صمیمی، همان، ص ۳۹۸.

۲. گوته: «محمد6 به عنوان انسانی خارق‌العاده در کتابش قرآن، میراثی جاودانه از خود بر جای گذاشته است». ارزش‌مندترین گوشه قلبم، مسخر تصویری است از بهشتی که محمد6 در کتابش (قرآن) نوید برخورداری از آن را داده است».

۳. توماس کارلایل: «درستی و صداقت محمد6 بود که مردم پیرامونش را تحت تأثیر قرار می‌داد. نوکیشان مسلمان، مسحور افسون شمشیر محمد6 نشده بودند، بلکه کلام تأثیرگذار، قاطع، ناب و بدیع محمد6 که مستقیم از قلب هستی؛ یعنی همان آفریننده جهان برخاسته بود، آنان را شیفته و مسحور ساخته بود ... در باب [انتساب] شهوت‌پرستی به پیامبر اسلام6 بسیار گفته‌اند و نوشته‌اند، اما این موضوع به هیچ عنوان صحت ندارد. بر عکس محمد6 زاهد و پرهیزکار بود که افراط و زیاده‌روی را در هر نوع آن رد می‌کرد. بگذار او را هر چه می‌خواهند بنامند! هیچ امپراتوری با تاج و دیهیم خویش چنین مورد اطاعت واقع نشده است که آن مرد در عبادی ساده دست‌دوخت خود؛ همو که طی ۲۳ سال متحمل سخت‌ترین مصائب و آزمایش‌های زندگی شد و مشقات فراوان بر او گذشت. من به شخصه، تمام خصوصیات یک قهرمان راستین را در او به چشم می‌بینم. همین و بس»<sup>۱</sup>.

۴ و ۵. سیمون اکلسی و جرج سیل: «اندک دانشی که ما اروپاییان داریم، تماماً از مشرق‌زمین نشأت گرفته است. آنان که این دانش را نخست به یونان منتقل کردند و از آنان، رومیان سهم خویش را برگرفتند و پس از آنکه بربریت و توحش در سراسر جهان گسترش یافت، اعراب با فتوحات خود دگر باره، آن دانش را در اروپا رواج دادند»<sup>۲</sup>.

نمونه‌هایی دیگری نیز از این دست وجود دارد که نشان‌دهنده آگاهی برخی از مستشرقان به واقعیت اسلام است. این افراد به‌رغم اندکی شمارشان در سنتجش با گروه نخست و به‌رغم وجود تبلیغات منفی بر ضد اسلام و مسلمانان، در نیم قرن گذشته کارهایی مانند برگزاری همایش‌ها، نوشتن کتاب‌ها و مقاله‌ها و فراخواندن مسلمانان به مراکز علمی - فرهنگی غرب سامان داده و تصویر نیکویی از اسلام عرضه کرده‌اند.

۱. همان، ص ۳۵۲، به نقل از توماس کارلایل، در باب *قهرمانان*، ص ۴۱.

۲. صیمی، همان، ص ۳۰۸، به نقل از کمبریج «تاریخ اعراب بادیه‌نشین»، ص ۲۲.



## اسلام و مسیحیت

ظهور اسلام و پیشرفت‌های چشم‌گیر آن در زمینه‌های گوناگون، توجه مسیحیان را جلب کرد و حس مخالفتشان را برانگیخت. جنگ‌های صلیبی و بی‌توفیقی مسیحیان در آنها نیز بر دشمنی آنان افزود و اثری در ژرف‌نای جانشان گذارد؛ تا جایی که هشتصد سال پس اینکه صلاح‌الدین اورشلیم را گرفت، ادموند آلن بی، ژنرال بریتانیایی هنگام تصرف بیت‌المقدس (دسامبر ۱۹۱۷م)، در نطقی چنین گفت: «اکنون سرانجام جنگ‌های صلیبی کامل شد». سه سال بعد؛ هنگامی که سربازان فرانسوی دمشق را گرفتند (۱۹۲۰)، فرمانده آنان تا آرامگاه صلاح‌الدین، واقع در مسجد اعظم رژه رفت و فریاد زد: «صلاح‌الدین! ما برگشتیم».<sup>۱</sup>

الف) کارهای کلیسا و غرب در برابر گسترش اسلام

رویاری کلیسا و مسیحیت و بررسی کارهای کلیسا در برابر گسترش اسلام، از موضوع‌های بسیار مهم برای مسلمانان است. نخست کشیشان کلیسا به مطالعه شرق و اسلام روی آوردند، نخستین آثار ضد اسلامی را منتشر کردند و به تبلیغاتی بر ضد پیامبر اسلام پرداختند. کارهای پیش‌تری نیز در روند منفی‌نگری کلیسا سامان یافت که در تأثیرگذاری هم‌گون با جنگ‌های صلیبی بود. مطالعات اسلام‌شناسانه پی‌آمدهایی داشت که آنها را در سیاهه زیر می‌توان گنجانند:

### ۱. بدل شدن روی‌کرد نظامی به روی‌کرد علمی - فرهنگی

کلیسا با فرستادن گروه‌هایی از کشیشان به بهانه فراگیری علوم اسلامی، در پی آگاهی از رخنه‌ها و ضعف‌های اسلام بود و به دنبال پیدایی تحول بنیادی در غرب و هم‌زمان با پیشرفت‌های علم و فن‌آوری، به نام «مأموریت تمدن‌سازی» به شرق روی آورد و سرزمین‌های اسلامی، اموال مردم و زمین‌هایشان را تصرف و مسلمانان را بی‌رحمانه سرکوب کرد.<sup>۲</sup>

### ۲. بهره‌گیری از مستشرقان در تبلیغ مسیحیت

کلیسا، به انگیزه از میان بردن بزرگی و شکوه اسلام، مستشرقان را در تبلیغ مسیحیت به خدمت گرفت. اگرچه آنان در مسیحی کردن مسلمانان توفیق نیافتند، در بدنمایی چهره

۱. صمیمی، همان، ص ۴۲۵.

۲. همان.

۳. همان، ص ۴۲۶.

اسلام به اروپاییان موفق بودند. آنان مسلمانان را وحشی، خون‌ریز، شهوت‌ران، جنگ‌طلب و... می‌خواندند.

### ۳. برپایی مدرسه

آنان با هدف تربیت گروه‌هایی از کارشناسان در علوم اسلامی و برای نشر دروغ‌های فریبنده درباره اسلام، مدرسه‌های زبان عربی را در رم و دیگر کشورها برپا کردند.<sup>۱</sup>

### شیوه نو مسیحیت

مسیحیت افزون بر به کارگیری شیوه‌های پیش‌گفته، از ابزارهای زیر در رویارویی با اسلام بهره برد:

۱. از میان بردن جاذبه اسلام با تبلیغات منفی؛

۲. از میان بردن حس برتری و ممتاز بودن اسلام در سنجش با دیگر ادیان؛

۳. سست کردن باورها و غیرت دینی مسلمانان.

ارتباط محفل‌های علمی و مذهبی اسلامی و مسیحیت و دیگر ادیان در این روزگار به‌ویژه این سال‌ها بیش‌تر شده و آن روی کرد دشمنانه از میان رفته است، اما به پیوندهای بیش‌تر برای پی بردن آنان به حقیقت اسلام باید امیدوار بود.

### نقد شرق‌شناسی

بررسی و نقد آثار و شیوه‌های شرق‌شناسی، به نوشتاری مستقل و کامل نیازمند است، اما از بررسی چند مسئله مهم در این‌جا نمی‌توان فروگذارد. این مسائل، تنها به انگیزه آشنایی خوانندگان محترم و به صورت کلان مطرح می‌شود. برای نقد بهتر شیوه‌های شرق‌شناسی، نخست ویژگی‌های آنها را باید دانست که مهم‌ترینشان در فهرست زیر جای می‌گیرند:

۱. پایه روش شرق‌شناسی، نه بر اصول علمی که بر اوهام و خیالات استوار است؛

۲. شرق‌شناسان به منابع نامتقن و غیرعلمی تکیه می‌کنند؛

۳. شرق‌شناسان به تحریف منابع، افزودن بر آنها یا کاستن از آنها (خیانت در امانت)

می‌پردازند؛

۱. الدسوقی، همان، ص ۶۸.

۲. همان، ص ۱۸۸.





۴. تحریف‌های محتوایی و ظاهرسازی در آثار آنان هست؛  
 ۵. آنان در تجزیه فکری و سیاسی مسلمانان و سست کردن باورهای اسلامی می‌کوشند؛

۶. هدف آنان از زنده کردن منابع اسلامی، رسیدن به هدف‌های استعماری غرب نه ارج نهادن آن منابع بود؛

۷. شرق‌شناسی برای خدمت رساندن به مسیحیت و جلوگیری از حرکت اسلام پدید آمد.

دلایل علمی نبودن شرق‌شناسی را نیز چنین می‌توان برشمرد:

۱. این پدیده از آغاز زیر چتر کلیسا بود و سپس به خدمت هدف‌های استعماری دولت‌های غربی گمارده شد؛

۲. کشیشان همچون دوران قرون وسطا، به درافکندن خرافات و سخنان ناراست پرداختند؛

۳. مستشرقان نبوت پیامبر اسلام را انکار کردند و بدون بهره‌گیری از روش علمی و با نیرنگ و ترفندهای سیاسی، وحی او (قرآن) را دارای سرچشمه‌ای انسانی دانستند؛

۴. آنان بر منابع اصیل اسلامی و نوشته‌های شرق‌شناسان پیشین تکیه نکردند؛

۵. خاورشناسان به موضوعی و تخصصی بودن پژوهش‌هایشان تظاهر کردند و به تحریف حقیقت پرداختند.

آثار مستشرقان را درباره اسلام با توجه به این ویژگی‌ها و دلایل، هیچ‌گاه به حقیقت اسلام نمی‌توان نزدیک دانست؛ زیرا آنان انگیزه‌ای برای بهره‌گیری از منابع اصیل اسلامی ندارند. اگرچه آثار نیم قرن گذشته خاورشناسان تا اندازه‌ای از روی کرد دشمنانه و متعصبانه دور است، هنوز به حقیقت نزدیک نیست.

### تأثیر مطالعات شرق‌شناسی در جهان اسلام

ارتباط اروپاییان و مسلمانان و داد و ستد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی میان آنان، در هر دو گروه تأثیر گذارد؛ غربیان از فرهنگ و تمدن اسلامی در درون شکوفایی آن تأثیر پذیرفتند و مطالعات شرق‌شناسان پی‌آمدهای زیر را در جهان اسلام به دنبال آورد:

۱. پدید آمدن شبهه‌ها و رواج یافتن اندیشه‌های نادرست درباره اسلام؛
۲. بیدایی غرب‌محوری در مباحث علمی و ویژگی خودکم‌بینی؛
۳. بیدایی دیدگاه‌های نو درباره فرهنگ و تمدن اسلامی؛
۴. درافتادن روش‌های نو علمی - پژوهشی؛
۵. شناخته و زنده شدن آثار اسلامی؛
۶. پیدایی اختلاف در دیدگاه‌های مسلمانان درباره مطالعات اسلامی.

## روی‌کردهای شرقیان به خاورشناسی

### الف) ستایش‌گرانه

گروهی مانند کردعلی و زکی مبارک، ستایش‌گران تندرو غربند؛ یعنی همه کارهای آنان را مثبت می‌دانند. البته بزرگ‌داشت مستشرقان در پی چاپ و انتشار منابع اصیل اسلامی و احیای آن و روش‌مند ساختن پژوهش‌های اسلامی صورت پذیرفت.

### ب) بدبینانه

برخی از شرقیان مانند مالک بن‌نبی، احمد فارس، محمد اسد، حسین هراوی و... معتقدند که مستشرقان حتی در زنده کردن منابع اصیل اسلامی، نیت خیر نداشته، بلکه این کار را به انگیزه رسیدن به هدف‌های استعماری غرب سامان داده‌اند.

### ج) دادگرانه

دانش‌مندی که شیوه انصاف در پیش دارند و ویژگی‌های خوب و بد کار مستشرقان را با هم در نظر می‌آورند، به پرهیز از منفی‌بافی‌های آنان و پند گرفتن از اندیشه‌های مثبتشان سفارش می‌کنند؛ چنان‌که غربیان از تمدن و فرهنگ غنی اسلامی بهره بردند.

### نتیجه

اهمیت ادیان، تمدن‌های پیش‌رفته و فرهنگ برتر شرق، غربیان را بر آن داشت که به سوی شرق روی آوردند و به شناخت بیشتر آن بپردازند. این انگیزش نخست دینی بود و دست کلیسا در این کار بیش‌تر دیده می‌شد، اما پس از چندی به دنبال گسترش سیاست‌های استعماری، انگیزه‌های سیاسی به این مطالعات راه یافت. البته هیچ‌یک از این

انگیزه‌ها، فطرت‌های حقیقت‌جو را از درک حقیقت و اعتراف به حقایق موجود در شرق بازداشت و سرانجام انگیزه‌های علمی (کشف حقیقت) در قرون اخیر به‌ویژه نیمه دوم قرن بیستم، «شرق‌شناسی نو» را پدید آورد که در آن از تعصب‌های قرون وسطایی و روی‌کرد منفی به اسلام و شرق و انگیزه‌های استعمارگرانه و غارت‌گرانه نشانی نیست. شاید شرق‌شناسی نو نیز در خدمت استعمار نو باشد، اما این گمان به بررسی درازدامن‌تری نیازمند است.

غرب هیچ‌گاه از شناخت شرق و یافتن راه‌های نفوذ به آن غافل نمی‌ماند و مسلمانان و شرقیان بدین نکته باید توجه کنند، از جایگاه انفعالی بیرون روند و به انگیزه گسترش فرهنگ و تمدن خود به شناخت غرب و یافتن راه‌های نفوذ به آن بپردازد.

شرق‌شناسی به مجموعه‌ای از مطالعات دانشمندان غربی درباره شرق گفته می‌شود. این مطالعات پیشینه درازی دارند و رد پای آنها را در دوره یونان باستان و نوشته‌های هرودوت و گزنون می‌توان یافت. این پژوهش‌ها پس از اسلام و رویارویی‌اش با مسیحیت، تازه‌تر شد و اندیش‌مندان غربی و کشیشان با پیش‌رفت اسلام و گسترش آن، مطالعات گسترده‌ای درباره اسلام آغاز کردند و بی‌آمدهای آنها را به کلیسا و در قرون اخیر به استعمارگران غربی سپردند. بنابراین، انگیزه‌های فراوانی برای مطالعات شرق‌شناسانه می‌توان برشمرد. اگرچه انگیزه‌های مذهبی و سیاسی خاورشناسان در گذشته و دوره کنونی کم نبود، برخی از آنان به برتری شرق از غرب و راستی و درستی اسلام اعتراف کردند و حتی مسلمان شدند. دانش‌مندان غربی برای بررسی شرق و اسلام، حوزه‌های گوناگونی را بررسی‌دند که مهم‌ترین آنها چنینند: اسلام؛ قرآن؛ سنت؛ تاریخ؛ هنر؛ ادبیات؛ فلسفه و عرفان اسلامی؛ فرق و مذاهب اسلامی و علم و تمدن اسلامی.

اگرچه ادیان الهی از یک‌جا سرچشمه گرفته و مراحل رشد و کمال انسان را در خود گنجانده‌اند، متولیان ادیان به دلیل خودکامگی و نادانی‌شان، راه‌های هم‌زیستی مسالمت‌آمیز پیروان آنها را بسته و به درگیری‌های آنان دامن زده و حتی در پی یافتن شیوه‌های تازه برای رویارویی با یک‌دیگر برآمده‌اند. این کارها ناپسند و رویارویی مسیحیت با اسلام ناپذیرفتی است. امید می‌رود که مطالعات شرق‌شناختی در نزدیک ساختن ادیان الهی به یک‌دیگر کارساز باشد! البته چنین کاری تنها از پی دگرگونی بنیادین دیدگاه‌های مستشرقان سامان خواهد یافت.



۱. اسعدی، مرتضی (۱۳۸۱)، *مطالعات اسلامی در غرب انگلیسی زبان*، تهران، سمت.
۲. الاسلام، رساله (بی تا)، *الدراسات الاسلامیه فی اللغات الاورپیه*، بی نا، بی جا.
۳. الویری، محسن (۱۳۸۱)، *مطالعات اسلامی در غرب*، تهران، سمت.
۴. بارت، رودی (۱۹۶۷)، *الدراسات الاسلامیه والعربیه فی الجامعات الالمانيه*، ترجمه مصطفی ماهر، القاهره.
۵. بی نا (بی تا)، *المستشرقون و التاريخ الاسلامی*، مصر، هیئته المصریه العامه.
۶. جمیله، مریم (۱۳۵۱)، *خاورشناسی و توطئه خاورشناسان*، ترجمه سید غلامرضا سعیدی، قم، دارالتبلیغ الاسلامی.
۷. خالدی، مصطفی و فروغ، محمد (۱۳۴۶)، *نقش کلیسا در ممالیک غربی*، ترجمه مصطفی زمانی، قم، محمدی.
۸. الدسوقی، محمد (۱۳۷۶)، *سیر تاریخی و ارزیابی اندیشه شرق‌شناسی*، ترجمه محمدرضا افتخارزاده، تهران، هزاران.
۹. الدسوقی، محمد و... (بی تا)، *الفکر الاستشراقی تاریخه و تقویمه*، بی جا، بی نا.
۱۰. زمانی، محمدحسن (۱۳۸۵)، *مستشرقان و قرآن*، قم، بوستان کتاب نشر دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۱. — (۱۳۸۶)، *شرق شناسی و اسلام‌شناسی غربیان؛ تاریخچه، اهداف و مکاتب*، قم، بوستان کتاب نشر دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۲. زهرالدین (۱۴۱۳ق)، *الاسلام و الاستشراق*، بیروت، دارالنده و الجدیده.
۱۳. سعید، ادوارد (۱۳۷۱)، *شرق‌شناسی*، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۴. — (بی تا)، *شرق‌شناسی؛ شرقی که غرب را آفرید*، قم، عطائی.
۱۵. شکوری، ابوالفضل (۱۳۷۱)، *جریان‌شناسی تاریخ‌نگاری‌ها در ایران معاصر*، تهران، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی.
۱۶. صمیمی، مینو (۱۳۸۲)، *محمد در اروپا*، ترجمه عباس مهرپویا، تهران، اطلاعات.
۱۷. عاقل، نبیه (بی تا)، *المستشرقون و بعض قضایا التاريخ العربی الاسلامی*، بی جا، بی نا.
۱۸. عمر فوزی فاروق (۱۹۹۸م)، *الاستشراق و التاريخ الاسلامی*، عمان، الاهلیه.
۱۹. وات، مونتگمری (بی تا)، *تأثیر اسلام در اروپای قرون وسطا*، ترجمه حسین عبدالمحمدی، قم، مؤسسه امام خمینی.

